



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

تأثیر تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری از منظر فقه و رویه قضایی

نسرین طافی^۱، عبدالمحمد کردی^{۲*}، سید ابراهیم موسوی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران؛ استادیار گروه حقوق، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از معاذیری که به عنوان استثناء بر اصل لزوم یا الزامی بودن قراردادهای به شمار می‌آید، تغییر اوضاع و احوال قرارداد است. در این مقاله تلاش شده به بررسی تأثیر تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری از منظر فقه و رویه قضایی پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: در فقه اسلام، قاعده نفي عسر و حرج و قاعده لاضرر و غبن حادث، می‌تواند مبنای پذیرش تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری قرار گیرد. تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای تجاری در حقوق ایران صراحت قانونی ندارد، اما رد نشده است. در رویه قضایی نیز می‌توان به معدود آرائی دست یافت که علیرغم خلاء قانونی در این زمینه، تأثیر تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری را پذیرفته و در مواردی نیز به رد تعدیل قرارداد رای داده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد در سکوت قانونگذار می‌توان با استناد به قواعد نفي عسر و حرج، قاعده لاضرر و غبن حادث نسبت به تعدیل قراردادها اقدام نمود و نظام حقوقی به سمتی سوق داد که نسبت به تعدیل قضایی قراردادها اقدام شود. با این حال با توجه به تغییر و تحولات اقتصادی که قراردادهای تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد لازم است قانون‌گذار در این خصوص نسبت پذیرش تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای تجاری در قالب مواد قانونی گام بردارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۵-۱۳۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

تغییر اوضاع و احوال، قراردادهای تجاری، قاعده نفي عسر و حرج، قاعده لاضرر، تعدیل قرارداد.

نویسنده مسوول:

عبدالمحمد کردی

آدرس پستی:

ایران، خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، گروه حقوق خصوصی؛ بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۶۳۶۲۶۷۰۴

کد ارکید:

0000-0002-4625-2452

پست الکترونیک:

Mohammad1894@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده و تابعیت قرارداد از قصد مشترک دو طرف، این است که مفاد قرارداد مانند قانون خصوصی طرفین، باید محترم و الزام‌آور باشد. به عبارتی اصل ثبات یا استحکام قراردادها، امروزه در حقوق تعهدات به‌عنوان یک قاعده کلی و عمومی به رسمیت شناخته شده است. بدون تردید، اصل حاکمیت اراده و قاعده تبعیت از عقد مشترک اقتضا می‌کند که مفاد تراضی همواره محترم و لازم‌الوفا باشد و هیچ‌یک از دو طرف نتواند از اجرای قرارداد و تعهدات ناشی از آن سرباز زند یا در قلمرو خواست مشترک تصرف کند و شرایط قرارداد را تغییر دهد. با وجود این، اصل مزبور را نباید یک اصل مطلق و استثناء ناپذیر انگاشت و عوامل گوناگون اختیاری و اجباری سبب می‌شود شرایط قرارداد یا تعهدات هر یک از طرفین تغییر نماید. هر قراردادی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال زمان خود از جمله شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، سود و زیان قرارداد و سایر عوامل مؤثر، منعقد و مبادله می‌شود. اما گاه تغییر شرایط و اوضاع و احوالی که در هنگام انعقاد قرارداد پیش‌بینی نمی‌شده، انجام تعهدات را برای یکی از طرفین یا هر دو طرف قرارداد خیلی سنگین و دشوار نموده یا موجب ضرر فاحش می‌کند، به‌نحوی که تعادل قرارداد را به هم می‌زند و عدالت را مخدوش می‌کند. این شرایط می‌تواند شامل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در کشور بوده یا مربوط به خود قرارداد، از جمله سود و زیان آن باشد. با توجه به رشد اقتصادی و توسعه صنعتی

و رشد پرشتاب و فزاینده عواملی که در زندگی اجتماعی انسان مؤثر هستند و وی را در جریان چه بسا ناخواسته‌ای قرار دهند که هیچ انسانی باهوش و زیرک و دورنگر، نمی‌تواند مسیر حرکت این جریان را درست پیش‌بینی کرده و مطابق آن حرکت کند بنابراین حوادث پیش‌بینی نشده اتفاق می‌افتند و طرفین را در سختی و مشقت اجرای تعهد قرار می‌دهند. بنابراین بررسی تاثیر تغییر اوضاع و احوال بسیار حائز اهمیت است. در خصوص تغییر اوضاع و احوال تألیفات متعددی انجام شده است: محسن اسماعیلی، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادها از منظر حقوق تطبیقی پرداخته است (اسماعیلی، ۱۳۸۱) محمود جلالی و حمید آرایی نیز در مقاله‌ای، دکترین تغییر بنیادین اوضاع و احوال در حقوق ایران و حقوق بین الملل را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده‌اند (جلالی و آرایی، ۱۳۸۹) همچنین سامان عسکری و هادی احتشامی، در مقاله‌ای نظریه عقیم شدن قرارداد را با نظریات قوه قاهره و تغییر اوضاع و احوال و دشواری اجرای قراردادی را به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده‌اند (عسکری و احتشامی، ۱۳۹۵) در مقاله حاضر اما هدف بررسی تاثیر تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری از منظر فقه و رویه قضایی است؛ نوآوری مقاله پیش‌رو در بررسی همین موضوع نهفته است. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا التزام به تعهدات ناشی از قرارداد، بستگی به ثبات و بقای شرایط و اوضاع و احوالی دارد که قرارداد در آن فضا و موقعیت منعقد شده است؟ آیا تغییر اوضاع و احوال قرارداد و بر هم

خوردن تعادل و توازن اقتصادی آن، به نحوی که خسارت عمده‌ای را متوجه یکی از طرفین قرارداد نماید، بر خلاف قصد مشترک آن‌ها نبوده و نمی‌تواند از الزام متعهد به انجام تعهدات خود بکاهد؟ آیا شرایطی وجود دارد که در صورت تحمیل بر قرارداد، یک طرف یا طرفین قرارداد را از انجام تعهد معاف نماید؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «در فقه اسلام بر مبنای قواعدی چون لاضرر، عسر و حرج و غبن حادث می‌توان تاثیر تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر قراردادها را قابل قبول دانست. حقوق موضوعه رویکرد روشنی در این خصوص نداشته و رویکرد رویه قضایی نیز یکسان نیست». به منظور بررسی سوال مورد اشاره، ابتدا رویکرد فقه در این خصوص بررسی شده، سپس در ادامه از دیدگاه حقوق ایران و رویکرد رویه قضایی بحث شده است.

حقوق ایران صراحت قانونی ندارد، اما رد نشده است. در رویه قضایی نیز می‌توان به محدود آرائی دست یافت که علیرغم خلاء قانونی در این زمینه، تاثیر تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری را پذیرفته است.

۵. بحث

۵-۱. مبانی فقهی تأثیر تغییر اوضاع و احوال

بر تعدیل قراردادها

در این قسمت تلاش شده به مبانی فقهی تاثیر تغییر اوضاع و احوال بر تعدیل قراردادها پرداخته شود.

۵-۱-۱. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین قواعد فقهی است که مدارکی از قرآن و حدیث دارد. در اثبات این قاعده به آیاتی از قرآن کریم استناد شده است، از جمله آیه ۲۳۳ سوره شریفه بقره که می‌فرماید: «پدر و مادر فرزند نباید موجب زیان و اذیت شوند»؛ همچنین در آیه ۲۳۱ سوره بقره آمده است: «شوهران نباید با سوءنیت و رجوع مجدد به زنان سابق خود باعث آزار یا زیان در حقوق مالی آنان شوند». دیگر مدارک قاعده، احادیث و اخباری است که فخرالمحققین مدعی تواتر آن‌ها شده است (شهابی، ۱۳۴۱، ۷۷). از جمله آن اخبار که از لحاظ سند صحیح‌تر و از لحاظ دلالت روشن‌تر شمرده شده، خبری است که در قصه سمره بن جندب آورده شده (محمدی، ۱۳۷۷، ۱۰۸). و پیغمبر (ص) به روایتی چنین فرموده است: «یعنی تو مرد سخت‌گیر و آسیب‌رسانی هستی و مؤمن

۲. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

در فقه اسلام، قاعده نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر و غبن حادث، می‌تواند مبنای پذیرش تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای تجاری قرار گیرد. تاثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای تجاری در

ممکن نیست و باعث متضرر شدن متعهد شود، الزام ناشی از قرارداد برداشته می‌شود (حراعملی، ۱۳۷۶، ۱۶، ۴۷). بنابراین، اعتقاد بر امکان تعدیل قرارداد به وسیله لاضرر عملی خلاف موازین و قواعد شرعی نیست و راهی برای جلوگیری از زیان ناروا به زیان دیده می‌باشد.

۵-۱-۲. قاعده نفی عسر و حرج

«حرج» را در کتب لغت و کتب فقهی بررسی کننده قاعده، مترادف با محدودیت، تنگی و تنگنا، ضیق، دشواری و همچنین گناه دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲، ۲۳۱). قرآن کریم نیز، کلمه مورد نظر را در هر دو مفهوم به کار برده است؛ از جمله آیاتی که این کلمه را در معنای دشواری و ضیق و مشقت به کار برده است، آیه ۶ سوره مبارکه مائده است: «... خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد...». همچنین در آیه ۸۷ سوره حج آمده است: «و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهد...». کلمه «عسر» نیز در کتاب‌های لغت، در مقابل «سر» به معنای «آسانی» قرار گرفته است. پس مقصود از این کلمه، مشقت، سختی و صعوبت و شدت است (بیگدلی، ۱۳۹۲، ۱، ۱۸).

آنچه از مستندات مربوط به قاعده استنباط شده و مورد تأکید اندیشمندان حقوق اسلامی قرار گرفته است این که، بر اساس قاعده لاضرر، هرگاه تکلیفی دشوار و مشقت‌آور شود، ساقط شده و فرد مسئولیتی در اجرای آن نخواهد داشت. اما نکته حائز اهمیت، دانستن حدود سختی عمل است (بیگدلی، ۱۳۹۲، ۱، ۶۱). تردیدی وجود ندارد که

نباید به کسی ضرر بزند». به روایتی دیگر، جمله را چنین نقل کرده اند: «هرگونه ضرر و اضرار در اسلام ممنوع است» (شهابی، ۱۳۴۱، ۷۸). مشابه این عبارت در کلام ائمه معصومین (ع) هم تکرار شده است، به عنوان نمونه در مورد حق شفعه، از قول امام صادق (ع) نقل شده است که «در مورد معامله زمین در بین شرکاء قضاوت به شفعه کرده و فرموده ضرر و ضراری وجود ندارد» (حراعملی، ۱۳۷۶). در سوالات بسیاری نیز - مخصوصاً در زمینه تصرفات مالکانه همسایگان در املاک خود به نحوی که باعث زیان همسایه می‌شده - ائمه (ع) مورد پرسش قرار گرفته‌اند که ایشان در پاسخ به حدود استفاده افراد از حقوقشان، به عبارت «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» اشاره کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۷، ۱۴۲-۱۳۷).

برخی نویسندگان بر این باورند که قاعده لاضرر در خصوص تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادها قابل اعمال است «... به این ترتیب، مستنبط از قاعده لاضرر، در موردی که رویدادی غیرمترقبه و غیرمنتظره تعادل قراردادی را به هم زده و اجرای تعهد را برای یکی از طرفین و به طور عمده، متعهد ضرری نماید، حکم ضرری برداشته می‌شود» (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۲، ۱۲۹). از مواردی که نشان‌گر امکان رفع حکم ضرری در صورت شدن اجرای تعهد، فرضی است که در برخی از کتب فقهی آمده است. بر این اساس، چنانچه فردی موظف به کندن چاهی به مبلغ معین باشد ولی در جریان اجرای این تعهد مواجه با لایه‌های سنگی یا بسیار مقاوم شود که کندن آن با وسایل متعارف

۵-۱-۳. غبن حادث

غبت در لغت به معنای فریفتن، گول زدن، یا نقص در مال و نقص در عقل است (آذرتاش، ۱۳۸۴، ۴۷۶). به عقیده شیخ انصاری در «مکاسب» به هر حال معنای لغوی هر چه باشد، اما در اصطلاح فقها، غبن عبارت است از خرید بیش از قیمت بازار یا فروش به کمتر از قیمت بازار، پس هم مشتری خیار غبن دارد، هم بایع (شکاری، ۱۳۸۰، ۱۵۲). در اصطلاح مدنی، غبن بهم خوردگی تجاری ارزش عوضین به ضرر یک طرف عقد است، بدون اینکه متضرر راضی به آن باشد و این در عقود مغایبه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۲۷۱۷). یکی از حقوق - دانان معاصر، غبن را این گونه تعریف کرده است «زبانی که به هنگام داد و ستد در نتیجه نابرابری فاحش بین ارزش آنچه باید پرداخته یا انجام شود و ارزشی که در برابر آن دریافت می‌گردد، به طرف ناآگاه می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۳۹۶). برخی از حقوقدانان طرفدار تعدیل قرارداد در حقوق ایران، سعی کرده‌اند امکان تغییر وضعیت اولیه قرارداد به علت حوادث پیش‌بینی نشده را بر پایه نهاد شناخته شده «غبن» توجیه نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۳۹۶). طبق نظر مشهور مبنای خیار غبن، همانا جلوگیری از ضرری است که ناشی از عدم تعادل عوضین، ایجاد شده است بنابراین بعد از عقد، همانند عدم تعادل در زمان انعقاد عقد است، پس متضرر می‌تواند تقاضای تعدیل قرارداد را از دادرس بنماید. یکی از حقوق دانان نیز معتقد است پایه اصلی خیار غبن جلوگیری از ضرر ناروای مغبون می‌باشد. قانون‌گذار، حکم نخستین و طبیعی عقد

اجرای بسیاری از احکام الهی نیز، نیازمند تحمل سختی است، پس به صرف وجود مشکل در انجام وظایف، نمی‌توان به استناد این قاعده شانه از زیر بار تعهدات یا تکلیف خود خالی کرد. برخی از اندیشمندان، برای تبیین مصادیق دقیق قاعده، تکالیف را به چهار دسته سهل و آسان، مالایطاق، تکالیف عسر‌آور و تکالیفی که باعث ضیق و حرج هستند، تقسیم نموده، سپس در مورد مصادیق قاعده که از میان دو گروه اخیرند، به بحث پرداخته‌اند (نراقی، ۱۴۰۸، ۶۱). اما همچنان که بسیاری صاحب‌نظران اشاره کرده‌اند، در نهایت آنچه می‌تواند ملاک تشخیص عسر و حرج باشد، تشخیص عرف است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۱۷۴). نکته مهم دیگر در این مورد، تشخیص نوعی یا شخصی بودن ملاک مشقت در معافیت از تکالیف است. پاسخ به این پرسش در بهره‌برداری حقوقی از قاعده نیز بسیار ارزشمند است؛ شخصی بودن معیار قاعده به این معناست که برای معافیت از تکلیف، لازم است فرد مکلف، در زمان تکلیف نتواند از عهده انجام چنان عملی برآید، مگر با مشقت و سختی فراوان که عرف آن را قابل تحمل نداند. به عبارت دیگر، ممکن است عملی برای یک شخص حرجی و برای دیگران عملی تلقی شود، بلکه ممکن است همان عمل در موقعیت یا زمان دیگر، برای همان فرد نیز عملی عادی و قابل انجام تلقی گردد. اما نوعی بودن معیار قاعده، ضمن کنار نهادن وضعیت مکلف، اوضاع و احوال نوعی مکلفین را در نظر گرفته، نتایج متفاوت با آنچه بیان شد به بار آورد.

اوضاع و احوال آن حادثه را تشکیل می‌دهد. اصطلاح مذکور در شاخه‌های متنوعی از علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حقوق به‌ویژه حقوق جزا و جرم‌شناسی به‌کاربرده شده و حتی در برخی از متون و نصوص قانونی نیز ذکر شده است. اما از نظر حقوقی، اوضاع و احوال به مجموع شرایط نوعی گفته می‌شود که منجر به پیدایش یک عمل حقوقی می‌شود. به عبارت دیگر اوضاع و احوال به معنی کلیه شرایط غیرذاتی موجود در زمان وقوع یک عمل حقوقی است که طرفین با در نظر گرفتن شرایط مذکور اقدام به انجام آن می‌کنند. این شرایط که می‌تواند اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی وقتی با تکنولوژیکی باشد هیچ‌گاه ثابت و بدون تغییر نمی‌ماند و ممکن است مانند هر پدیده دیگر، در اثر عوامل و علل خارجی دست‌خوش دگرگونی و تحول شود.

به این ترتیب منظور از تغییر اوضاع و احوال، دگرگونی شرایطی است که در زمان وقوع یک عمل حقوقی مورد توجه و قصد مشترک طرفین است و در واقع مبنای اساسی تراضی را تشکیل می‌دهد. بی‌گمان این دگرگونی و تحول در قدرت الزام‌آور عقد تأثیر می‌گذارد و معامله را از اعتبار ساقط می‌کند. بنابراین هر قراردادی در بردارنده این شرط ضمنی است که معامله تا زمانی معتبر و الزام‌آور است که اوضاع و احوال از زمان وقوع آن، تغییر اساسی نکند. اصل لزوم یا الزامی بودن قرارداد یکی از اصولی است که در دنیای امروز پذیرفته شده و امنیت و استواری روابط حقوقی را تأمین می‌کند.

را به دلیلی همین ناروایی به حکمی ثانوی تغییر می‌دهد و لزوم را در رابطه با مغبون به جواز و اختیار تبدیل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳، ۵۴۱). نظریه غبن حادث، در عقود مستمر و درازمدت قابل اعمال است، مانند قرارداد پیمانکاری، اجرای پروژه سدسازی که اجرای آن باگذشت زمان عجین است و یا پیمان‌های ساخت کارخانجات و واحدهای مسکونی بزرگ و ایجاد شبکه‌های برق و آب و تلفن. این نظریه در عقود اعمال می‌شود که در آن‌ها خیار به وجود می‌آید یعنی در عقود معوض، لذا در عقود تسامحی مانند عقد بیمه، بیع سهام و اوراق بهادار در بورس و نیز در عقود غیرمعوض یا عقود که بنای آنها بر مسامحه می‌باشد مانند عقد صلح و ضمان، این نظریه قابل استناد نیست. نظریه غبن حادث، وسیله‌ای برای جبران بی‌عدالتی است و جایی به کار گرفته می‌شود که یک طرف قرارداد به ناروا به زیان طرف دیگر سود می‌برد. این نظریه در موردی به کار می‌رود که حادثه غیر منتظره و غیر قابل پیش‌بینی خارجی، اجرای قرارداد را به شدت دشوار و گران می‌کند ولی ناممکن نمی‌سازد.

۵-۲. نظریه تغییر اوضاع و احوال در حقوق

ایران

اوضاع و احوال در اصطلاح به شرایطی اطلاق می‌شود که به یک فرد یا حادثه خاص مربوط است و برای فرد یا حادثه تأثیر می‌گذارد (هیأت مؤلفان، ۱۳۷۸، ۱۵۰). برای مثال موقعیت و وضعیت اخلاقی فرد در جامعه، اوضاع و احوال اجتماعی آن و شرایطی که تحت تأثیر حادثه‌ای واقع می‌شود،

به موجب این اصل هیچ یک از طرفین قرارداد نمی‌تواند از اجرای تعهدات قرارداد سرباز زند یا اقدام به فسخ قرارداد نماید. باوجود این، که در فرانسه به «نظریه عدم پیش‌بینی» یا «حوادث پیش‌بینی‌نشده» معروف است و برخی از استادان حقوق ایران از آن به عنوان «غبن حادث» تعبیر کرده‌اند. اصل ۴۰ قانون اساسی مقرر می‌کند: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین براساس قاعده نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر (اصل ۴۰ قانون اساسی) یا با استناد به شرط ضمنی قرارداد، می‌توان نظریه تغییر اوضاع و احوال را پذیرفت.

در حقوق داخلی ایران، تنها در ماده ۱۷۹ قانون دریایی امکان تجدید نظر در قرارداد پیش‌بینی شده است. ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران مقرر می‌کند: «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود ...» در قانون مدنی ایران و قوانین ذی‌ربط دیگر، این نظریه در ماده خاصی پذیرفته نشده، ولی موادی وجود دارد که بر اساس تعدیل قرارداد برای حصول عدالت تدوین شده‌اند و با نظریه تغییر اوضاع و احوال از یک سرچشمه سیراب شده‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰).

یکی از موارد، ماده ۲۷۷ قانون مدنی است. ماده ۲۷۷ قانون مدنی مقرر می‌کند: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد

نماید ولی حاکم می‌تواند با توجه به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد». قسمت دوم این ماده مربوط به مواردی است که دادرسی به این نتیجه می‌رسد که اجبار متعهد به پرداخت دین در موعد مقرر، وی را دچار ضیق و فشار می‌کند و این شرایط متناسب با وضعیت و قدرت مالی او نیست. نکته مهم در این قانون آن است که وضعیت مدیون در زمان ادای دین، ملاک قرار گرفته است. بنابراین ممکن است مدیون قبل از فرارسیدن مهلت انجام تعهد، وضعیت مطلوبی داشته باشد، اما شرایط او در موعد ادای دین به گونه‌ای است که انجام تعهد باعث سختی و فشار بسیار می‌شود. همچنین قانون تأثیر هر گونه اقدام یا عدم اقدام مدیون بر تغییر شرایط را نادیده گرفته است، در حالی که در تغییر اوضاع و احوال متعهد هیچ‌گونه قصوری نداشته یا تغییرات ناشی از اقدامات وی نمی‌باشد. بنابراین تعدیل شرایط قرارداد و هماهنگی نمودن آن با تغییر اوضاع و احوال زمان قرارداد که باعث دشواری بسیار و ضرر فاحش برای متعهد می‌شود، نسبت به این ماده قانونی اولی است. همچنین ماده ۶۵۲ قانون مدنی که در خصوص قرض است، مقرر می‌دارد: «در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقتضای مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد. بنابراین چنانچه مقتضی در موعد پرداخت قرض، توانایی پرداخت نداشته باشد و یا از پرداخت آن دچار عسر و ضیق و تنگدستی شود، حاکم برابر اوضاع و احوال برای وی مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۷۸). اما واقعیت امر این است که هیچ یک از مواد قانون مورد اشاره

همکاران، ۱۳۸۴). چنانچه اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد دچار دگرگونی بنیادی شده و اجرای قرارداد را برای مدتی با دشواری و یا ضرر مواجه سازد، اجرای قرارداد موقتاً معلق شده تا مدت مذکور سپری و حالت‌های ایجادشده برطرف گردد. البته مدت تعلیق (اگر در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد) بستگی به نظر عرف دارد. با رفع شرایط حادث، مجدداً الزامات قراردادی به جریان افتاده و متعهد ملزم به انجام تعهد می‌باشد؛ به شرط آن‌که اجرای قرارداد بعد از مدت تعلیق فایده خود را حفظ کرده باشد (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۷۳).

اثر دیگر پذیرش تغییر اوضاع و احوال تعدیل قرارداد است. تعدیل در لغت به معنای برابر کردن چیزی با چیز دیگر است (فخار طوسی، ۱۳۸۸). لغت‌نامه دهخدا تعدیل را چنین تعریف می‌کند: «در فارسی امروزین، تعدیل به معنای کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی است. همچنین در تعریف تعدیل قرارداد آمده است: «هرگاه در جهت برابر ساختن تعهدات طرفین در قرارداد، به هر طریق ممکن، شروط اولیه قرارداد یا مفاد مورد تراضی آنان مورد تغییر قرار گیرد، تعدیل قرارداد صورت گرفته است» (بیگدلی، ۱۳۹۲). کاتوزیان «تغییر متن اصلی قرارداد متناسب با خواسته‌های جدید دو طرف یا با ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی» را تعدیل قرارداد می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳، ۵۴۳). از نظر فخار طوسی «اصطلاح تعدیل قرارداد به معنای اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است. این

به صراحت از تأثیر اوضاع و احوال بر قراردادها سخنی به میان نیآورده است. در همین راستا علاوه بر مواد قانون مورد اشاره، می‌توان به شواهدی اشاره کرد که نشان از رویکرد مثبت قانون‌گذار به پذیرش تغییر اوضاع و احوال در قراردادهاست.

قانون مدنی در موارد دشواری اجرای تعهد در اثر بروز حوادث حکمی ندارد و همان‌گونه که گفته شد به غیر ممکن شدن اجرای تعهد اشاره کرده است با بررسی قانون مدنی معلوم می‌گردد که قانون‌گذار به دشواری‌هایی که ممکن است از الزام به انجام تعهد برای متعهد و یا مدیون به وجود آید، توجه کرده است. این توجه در سال‌های اخیر در تصویب قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۹۲ و اصلاح پاره‌ای از مواد قانون مدنی در سال‌های ۶۱ و ۷۰ بیشتر شد. اگرچه تا قبل از تصویب قانون مذکور، قانونگذار تنها بعضی از تأثیرات دشواری در اجرای تعهد و یا پرداخت دین را مورد توجه قرارداد بود اما در سال‌های فوق‌الذکر با استفاده از الفاظ «عسر و حرج» به قاعده‌های فقهی، یعنی قاعده نفی عسر و حرج توجه کرد.

۵-۳. آثار پذیرش تغییر اوضاع و احوال

یکی از آثار پذیرش تغییر اوضاع و احوال، تعلیق قرارداد است. تعلیق در اصطلاح حقوقی عبارت است از به تعویق انداختن انجام تعهد یا امری. در تعلیق هر یک از طرفین قرارداد به دلایل خاصی تعهدات خود را در مقابل طرف دیگر معلق می‌سازد. منشأ تعلیق می‌تواند ناشی از قانون، قرارداد، تغییر اوضاع و احوال و قوه قاهره باشد (نصیری و

است از این که قاضی به استناد حکمی کلی که در قانون آمده و به او چنین اختیاری داده و یا با استنباط از مواد مختلف قانونی یا قواعد حقوقی پذیرفته شده، مفاد قرارداد منعقدہ بین طرفین را پس از نابرابر شدن تعهدات آن‌ها در اثر حوادث غیرقابل پیش‌بینی، مورد بازبینی و تغییر قرار دهد (بیگدلی، ۱۳۹۲). بیان این نکته ضروری است که در تعدیل قضایی قرارداد، یا مستند قانونی مبنی بر امکان تعدیل وجود ندارد، یا آنچه در قانون مقرر شده بسیار کلی است؛ به گونه‌ای که تشخیص وجود شرایط لازم برای تعدیل، به عهده قاضی است.

اثر دیگر پذیرش تغییر اوضاع و احوال، انحلال قرارداد است. در صورتی که تغییر اوضاع و احوال قرارداد به حدی باشد که به دلیل دشواری، مشقت و ضرری شدن قرارداد، اجرای تعهد را از سوی هر یک از طرفین قرارداد یا هر دو طرف غیرممکن نماید و احتمال رفع این تغییرات در یک مدت معقول و متعارف داده نشود، قرارداد منحل می‌شود. زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند متعهد به انجام امری غیرممکن باشد. در این حالت تفاوتی ندارد که تغییر اوضاع و احوال ناشی از تقصیر متعهد باشد یا ناشی از یک حادثه خارجی که قابل انتساب به متعهد نباشد (صفایی، ۱۳۹۰). لیکن به نظر می‌رسد در صورتی که ناشی از تقصیر متعهد باشد، باید خسارت وارد شده به طرف دیگر را بپردازد. در قراردادهایی که طرفین آن تعهد متقابل در مقابل یکدیگر دارند، هرگاه به دلیل بروز تغییر در اوضاع و احوال قرارداد، تعهدات یک طرف قرارداد ساقط

تغییر کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می‌گردد. این تغییر و اصلاح، یا مستند به توافق طرفین است یا مستند به قانون» (فخار طوسی، ۱۳۸۸). تعدیل قرارداد بهترین راهکار برخورد با تغییر اوضاع و احوال قرارداد است. زیرا در صورتی که امکان تعدیل وجود داشته باشد و تعدیل به صورت واقعی بتواند آثار تغییر اوضاع و احوال را پوشش دهد، تعادل در تعهدات دو طرف قرارداد حفظ شده و طرفین به خواسته‌های خود خواهند رسید. مفاد قرارداد ممکن است به اختیار دو طرف یا درخواست یکی از آن‌ها و تصمیم دادگاه یا به حکم قانون تعدیل شود. بنابراین تعدیل قرارداد را به اعتبار سبب آن می‌توان به قراردادی، قانونی و قضایی تقسیم کرد: (۱) تعدیل قراردادی، موردی است که دو طرف در متن قرارداد آن را توافق و پیش‌بینی کنند یا پس از انعقاد قرارداد، توافق به تعدیل نمایند. (۲) گاه علی‌رغم این که طرفین قرارداد پیش‌بینی خاصی برای تعدیل قرارداد ندارند، قانون‌گذار بنابه مصالح اجتماعی و منافع عمومی، بازبینی در مفاد قرارداد را لازم دانسته و اقدام به پیش‌بینی آن در قانون می‌کند. این نوع تعدیل را تعدیل قانونی می‌نامند (بیگدلی، ۱۳۹۲). این نوع تعدیل درجایی است که یا به موجب قانون به طور مستقیم انجام پذیرد یا در قانون به یکی از دو طرف حق درخواست آن را بدهد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳، ۵۴۵). نمونه تعدیل قانونی، ابلاغ بخشنامه‌های نحوه جبران آثار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و جبران آثار افزایش نرخ ارز است که به آن‌ها اشاره شد. (۳) تعدیل قضایی عبارت

۴-۵. رویکرد رویه قضایی

رویکرد رویه قضایی در فقدان و خلاء قانون مشخص در زمینه پذیرش تاثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای تجاری واحد و یکسان نیست. در یک نمونه رأی که به شماره نهایی: ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ در تاریخ ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۰۸۵ صادره شده است، افزایش قیمت‌ها به گونه‌ای که موجب فورس ماژور شود با توجه به قاعده لاضرر یک شرط بنایی محسوب و موجب معافیت فرد از مسئولیت می‌گردد. «دادنامه فرجام‌خواسته به جهت نقص تحقیقات و عدم رعایت مقررات قانونی بنا به مراتب ذیل درخور ابرام نمی‌باشد الف خواسته خواهان در دادخواست تقدیمی این‌گونه مطرح گردیده... ابطال (لغو) مناقصه به سبب دعوی نیز دو امر قرار داده شده (۱) بحران ارزی و افزایش بی‌سابقه قیمت آنکه در سرنوشت مناقصه که تهیه تجهیزات موضوع مناقصه را عملاً غیرممکن می‌سازد، تأثیر قطعی دارد. (۲) فقدان رتبه‌بندی مورد قبول سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شرکت دادن خواهان در مناقصه با سهل‌انگاری. در مورد بند الف وکیل خواهان در لایحه ثبت‌شده ۹۱۰۱۳۲۷-۹۱/۱۰/۶-۹۱ خواسته خود را لغو یا ابطال نامیده (مغایر با آنچه در ستون خواسته آورده) با توجه به تفاوت مفاهیم آن‌ها و علت اختلاف تحقق هر کدام حسب مستفاد از ماده ۲۴ قانون برگزاری مناقصه مصوب ۱۳۸۳، ضرورت استفسال و استیضاح از آقای وکیل محرز بوده تا صریحاً موضوع خواسته را معین نموده مبانی موردنظرش را بیان نماید تا نظر قضایی متناسب با آن مورد عملی

شود، تعهدات طرف دیگر نیز ساقط می‌شود؛ به همین دلیل است که درخصوص این قراردادها نیز در صورت تحقق شرایط، حکم به انحلال داده می‌شود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰). در نهایت می‌توان به فسخ قرارداد به عنوان نتیجه پذیرش تغییر اوضاع و احوال اشاره کرد. فسخ، عمل حقوقی یک‌طرفه‌ای است که نیاز به رضایت طرف مقابل ندارد. این عمل تنها به مجوز قراردادی یا قانونی نیاز دارد (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۶۷). در حقوق ایران، ادله لاضرر و لاجرم بر ادله اجرای اجباری عین تعهد مقدم‌اند، لذا می‌توان گفت حکم به اجرای اجباری تعهد در صورت ایجاد سختی و دشواری (عسر و حرج) و ضرر برای هر یک از متعهد و متعهدله صحیح، قانونی و مشروع نیست (صفایی و الفت، ۱۳۸۹، ۴۷). از آنجا که طرفین در ضمن قرار داد، شرط نموده‌اند (شرط ضمنی) که احوال زمان انعقاد قرارداد، در دوره اجراء به طور بنیادی تغییر نکند و ثبات این اوضاع و احوال را مبنای تراضی خود دانسته‌اند، در مواردی که تغییر اوضاع و احوال قرارداد منجر به ضرری شدن انجام تعهد و دشواری غیرمنتظره و خارج از عرف آن شود، با توجه به قاعده «لاضرر» حکم به معافیت متعهد از انجام تعهد داده می‌شود. بنابراین تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد به تنهایی مجوز فسخ نمی‌باشد، بلکه حتماً باید ضرر و دشواری که سبب عسر و حرج شده باشد نیز برای متعهد تحقق یابد.

به‌عنوان شرط بنایی قابل‌تصور و تصدیق بوده (ماده ۲۲۵ قانون مدنی و قواعد‌التعین بالعرف کالتعین بالنص، المعروف عرفاً کالمشروط شرطاً، المعروف بین‌التجار کالمشروط بینهم) آنگاه که مطالبه آثار آن شود و این مطالبه مورد موافقت طرف مقابل نباشد جواز رجوع ذینفع را به داوری می‌دهند و دادگاه باید در این ارتباط به دلایل خواهان (جلب نظر کارشناس و استعمال از بانک مرکزی) رسیدگی می‌نمود بنا به مراتب مرقوم و نقایص تحقیقاتی احصاء شده دادنامه فرجام‌خواسته مستوجب نقص است توجهاً به بندهای ۲ و ۵ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نقض و رسیدگی مجدد وفق بند الف ماده ۴۰۱ آن قانون به دادگاه صادرکننده رأی منقوض ارجاع می‌شود پس از رفع نقایص موردنظر به شرحی که گذشت و در صورت حدوث وضعیتی که الزام به رسیدگی آن‌ها ایجاب گردد، رسیدگی به آن درنهایت با توجه به نتایج حاصله از اقدامات مذکور طبق بند الف ماده ۴۰۵ قانون فوق‌انشاء رأی نماید».

شرط بنایی شرطی است که توافق طرفین قبل از عقد بر التزام آن بوده است. یعنی طرفین، عقد را بر اساس آن منعقد نموده‌اند. به‌طور معمول طرفین قرارداد، قبل از انعقاد قرارداد صحبت‌ها و مذاکراتی دارند که در زمان انعقاد آن نیز، به این توافقات توجه نموده و بر آن اساس، عقد را منعقد می‌نمایند حتی اگر در زمان تنظیم قرارداد به آن تصریح ننمایند (صابریان، ۱۳۸۸، ۸). به‌طور مثال زمانی که خریداری به مغازه مبل‌فروشی مراجعه نموده و

گردد. در رابطه با بند ب که طبق تعریف مناقصه در ماده ۲ قانون فوق، تأمین کیفیت موضوع مناقصه مورد توجه قانون در وضع مقررات مربوط به مناقصه بوده و این امر با رعایت بندهای ۴ و ۵ بند ب ماده ۱۲ آن قانون به حیطة حصول درمی‌آید و لازم بوده از آقای وکیل رتبه مربوط به موکل در زمینه موضوع مناقصه پرسش و مدرک آن خواسته می‌شد بدیهی است نباید آثار سوء ناشی از غفلت در امر مرقوم را محدود به مناقصه‌گذار دانست و به عذر عدم تعرض مناقصه‌گذار در مورد مرقوم آن را قابل‌ممیزی ندانست و توجه به آن مستلزم استفسار از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری بوده با توجه به اینکه مدرک ابرازی خواننده دعوی پیوست لایحه دفاعیه در زمینه مذکور روشنگر موضوع نبوده است. ادعای خواهان در زمینه افزایش نرخ و ایجاد فورس‌ماژور باکیفیتی هم که مطرح‌شده (زمان بین مناقصه و اعلام برنده شدن شرکت خواهان) علاوه بر اینکه با وصف تمثیلی بودن موارد مندرج در بند ۳ ماده ۲۴ قانون برگزاری مناقصه ادعای در جور رسیدگی بوده با عنایت به قاعده لاضرر یک شرط بنایی محسوب است بدین معنی که در قراردادها شروط بنایی منوط بدان نیست که الزاماً در حیطة یکی از عناوین شرط وصف یا فعل یا نتیجه مذکور افتد بلکه به سبب تنوع آن و گاه خروج از حیطة اقتدار متعهد نمی‌توان و نباید آن را محدود نمود و در نتیجه آنچه مورد ادعای خواهان واقع‌شده (فورس‌ماژور ناشی از افزایش ناگهانی قیمت ارز باکیفیتی که مطرح‌شده) که بر اساس مراتب فوق و قاعده عقلی

فروشنده خود را متعهد به تحویل رایگان کالای فروخته شده درب منزل نماید، تحویل مجانی کالا، شرط بنایی طرفین عقد می باشد. ناگفته نماند که شرط بنایی فقط شامل آن مواردی نیست که طرفین قبل از انعقاد عقد در رابطه با آن صحبت کرده اند اما در عقد به جهتی ذکری از آن نشده است، نیست بلکه هر چیزی را که در عرف رایج بوده و عقد با ذهنیت طرفین نسبت به واقع شده باشد را نیز شامل می گردد. مانند ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی که بیان نموده است؛ «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متباین بر آن واقع شده باشد». در رای مورد اشاره دیوان عالی، به قاعده لاضرر با توجه به شریعت بنایی استناد شده است که بیانگر پذیرش تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهاست.

در رویه قضایی، تحریم های اقتصادی به عنوان تغییر اوضاع و احوال به عنوان عامل فورس ماژور بودن و لذا عدم اجرای تعهدات پذیرفته نشده است. شعبه ۲۲ دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۸۳۱۲۲۰۱۲۲۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ مقرر می دارد: «نظر به اینکه: ۱- قرارداد پیش فروش خودرو ... حکایت از پیش خرید یک دستگاه خودرو ... با موعد تحویل شهریور ۹۷ توسط خواهان از خواننده دارد؛ ۲- خواهان به موجب رسیدهای واریز وجه تقدیمی، به عهد قراردادی خود مبنی بر پرداخت ثمن اقدام

نموده است؛ ۳- ادعای خواننده مبنی بر عدم قدرت بر تسلیم مبیع به جهت وقوع فورس ماژور (تحریم های اقتصادی مورد پذیرش نیست. زیرا اولاً یکی از شرایط تحقق فورس ماژور به عنوان یکی از معاذیر قانونی عدم اجرای تعهد، غیر قابل پیش بینی بودن آن است، حال آنکه تحریم های ظالمانه اقتصادی وضع شده از سوی استکبار جهانی امر جدیدی نبوده و مسبوق به سابقه است و با توجه به اوضاع حاکم، کلیه تجار و شرکت ها به حکم عقل می بایست امکان وضع تحریم های جدید را در تعهدات خود پیش بینی نمایند؛ به خصوص آنکه چند ماه قبل از انعقاد قرارداد، زمزمه های خروج آمریکا از برجام و وضع تحریم های گسترده به گوش می رسید و آگاهان و فعالان اقتصادی به راحتی قادر به پیش بینی تحریم های آتی بودند. مضافاً اینکه شرکت رنو در گذشته سابقه قطع همکاری با خودروسازان ایرانی به بهانه تحریم را داشته و شرکت خواننده مکلف به پیش بینی نقض عهد مجدد و اندیشیدن تمهیدات لازم بوده و نمی تواند نتیجه کوتاهی های احتمالی خود را بر خریداران بار نماید. ثانیاً موعد تحویل خودرو شهریورماه ۱۳۹۸ بوده حال آنکه تحریم های جدید اندکی قبل از آن وضع گردیده و طبیعتاً نمی تواند تأثیری بر تحویل خودروی داشته باشد؛ به علاوه اینکه حسب اسناد تقدیمی از سوی خواهان خودروهایی با موعد تحویل بعد از شهریور ۹۷ به خریداران تحویل شده که این امر حکایت از وجود خودرو جهت تحویل به خواهان دارد لذا... حکم بر محکومیت خواننده صادر می شود...».

نمی‌دهد. در چنین صورتی، عدالت معاوضی اقتضا می‌کند که مفاد قرارداد تغییر پیدا کند. بنابراین نظریه عدم پیش‌بینی به قاضی اجازه می‌دهد تا با شیوه مناسب در قرارداد دخالت کند و نابرابری به‌وجود آمده را جبران کند. اما اصل انصاف تنها زمانی کاربرد دارد که اجرای مفاد قرارداد، متعهد را در معرض خسارتی هنگفت قرار دهد که از حدود پیش‌بینی شده عرفی بالاتر باشد. به علاوه، وضعیت جدید پیش‌آمده، اجرای قرارداد را ناممکن نساخته باشد که باعث تحقق فورس‌ماژور و در نتیجه از بین رفتن تعهدات قراردادی شود، بلکه صرفاً اجرای آن را بسیار دشوار کرده باشد. در رای مورد اشاره، قاضی پرونده با اینکه اصل تعدیل قراردادها را برمبنای اصل انصاف جایز می‌داند اما به اظهار همدردی با خواننده در این خصوص اکتفا کرده و بر لزوم ایفای تعهدات توسط وی حکم داده است.

۶. نتیجه‌گیری

قوانین حقوقی ایران، در خصوص نظریه تغییر اوضاع و احوال قرارداد سکوت کرده است، لیکن مصادیقی از بخشنامه‌های معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در این خصوص وجود دارد که به معنای پذیرش این نظریه در جامعه مهندسی کشور است. ابلاغ چنین بخشنامه‌هایی نشان از دگرگونی و تغییر سریع اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی کشور و در نتیجه تغییر در شرایط و اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد داشته و به منظور تعادل بخشیدن به قراردادهای جاری که دچار تغییرات اساسی شده‌اند، صورت گرفته است. در رویه قضایی

در یک نمونه رای دیگر، تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادها پذیرفته نشده است. «شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۸۳۴۲۰۰۵۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱، ضمن بیان احساس عادلانه خود در فقدان قانون‌گذاری، مقرر می‌دارد: در خصوص دادخواست آقای سید علی اکبر ... به خواسته صدور حکم بر ایفای تعهد مبنی بر تکمیل یک باب منزل مسکونی ...؛ دفاع خواننده اینکه به علت نوسانات قیمت اجناس ساختمان و افزایش قابل ملاحظه آن، موفق به انجام تعهد خود باقیمت قراردادی نشده است. دادگاه با ملاحظه قرارداد ... که حکایت از تعهد خواهان مبنی بر ساخت ساختمان دارد و با توجه به اینکه در حقوق ایران متأسفانه موضوعی تحت عنوان تعدیل قرارداد پیش‌بینی نگردیده و هنگامی که متعهد در شرایطی ناخواسته مانند افزایش قابل ملاحظه قیمت‌ها قرار می‌گیرد، مورد حمایت قانون گذار واقع نمی‌شود و موضوع را هم نمی‌توان در قالب فورس‌ماژور و قوه قاهره مورد نظر قرارداد، در حالی که تعدیل قرارداد به خصوص برای نظام حقوقی ما که نظام اقتصادی مرتبط با آن گاه‌ها با شوک‌های تورمی قابل ملاحظه برخورد می‌کند، نیازمند این تعدیل در جهت رعایت عدالت و انصاف می‌باشد؛ صرف نظر از این انتقاد، نظر به اصل لزوم قراردادهای وفای به عهد ... خواسته را قابل‌پذیرش دانسته ...» (خدابخشی، ۱۳۹۸، ۲۸). مطابق اصل انصاف دگرگونی اوضاع و احوال موجب بروز ضرر نامتعارف می‌شود، به نحوی که در زمان انعقاد قرارداد، هیچ شخص متعارفی به آن رضایت

۷. تقدیر و تشکر

مقاله حاضر مستخرج از رساله‌ی دکترای دانشجو نسرین طافی بوده؛ که راهنمایی آن به عهده آقای دکتر عبدالمحمد کردی و مشاوره رساله به عهده آقای دکتر سید ابراهیم موسوی می‌باشد؛ که بابت راهنمایی‌های ارزشمند آنان تشکر و قدردانی می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

نیز به صورت محدود ممکن است بتوان آرائی یافت که تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای تجاری را پذیرفته است اما به دلیل فقدان و خلاء قانون در این خصوص عموماً رویکرد مثبتی در این خصوص به چشم نمی‌خورد. در فقه نیز قاعده فقهی لاضرر، قاعده فقهی عسر و حرج و غین حادث را می‌توان به عنوان مبانی فقهی پذیرش نظریه تغییر اوضاع و احوال پذیرفت و براساس آن در صورت تحقق شرایط تغییر اوضاع و احوال و برهم خوردن تعادل و توازن که مورد قصد و اراده طرفین قرارداد بوده، حکم به تعلیق، تعدیل، انحلال یا فسخ آن داد. لیکن بهتر است با وجود تغییرات و دگرگونی‌های زیاد در شرایط اقتصادی کشور و جهان، قوانین حقوقی کشور نیز در این خصوص راهکار مناسبی را ارائه نماید. چنانچه بدلیل بروز حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی که دفع و اجتناب از آن غیر ممکن و یا مستلزم هزینه‌ای گزاف باشد، اجرای تعهدی عرفاً دشوار و گران گردد، در صورت عدم تراضی متعاملین بر تعدیل یا تعلیق یا اقاله آن، طرف زیان‌دیده بتواند تعدیل قرارداد، منشأ تعهد را از دادگاه بخواهد و متعهد نسبت به جبران خسارات ناشی از تأخیر یا عدم انجام تعهد موضوع فوق‌الذکر، هنگامی از جبران خسارت معاف گردد که ثابت نماید، هیچ‌گونه دخالتی در ایجاد حادثه واقع شده نداشته است. و دادگاه مکلف شود نسبت به دادخواست متعهد، با جلب نظر کارشناس و توجه به اوضاع و احوال قضیه رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر نماید.

منابع

- آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ پنجم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴.
- اسماعیلی، محسن، «تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای از منظر حقوق تطبیقی»، مجله رهنمون، شماره اول، ۱۳۸۱.
- بهرامی احمدی، حمید، حقوق تعهدات و قرارداد، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، جلد اول، چاپ سوم، تهران، بنیاد حقوق میزان، ۱۳۹۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲.
- جلالی، محمود، آرای، حمید، بررسی تطبیقی دکترین تغییر بنیادین اوضاع و احوال در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل»، نامه مفید اسفند، شماره هشتاد و دوم، ۱۳۸۹.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، جلد هجدهم و شانزدهم، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶.
- خدابخشی، عبدالله، «دشواری اجرای قرارداد و ضمانت اجرای تعدیل یا فسخ آن با تأکید بر رویه قضایی»، مجله وکیل مدافع، شماره نوزدهم، ۱۳۹۸.
- شکاری، روشنعلی، متون فقه (بیع و خیار)، چاپ اول، تهران، نشر کشاورز، ۱۳۸۰.
- شهابی، محمود، قواعد فقه، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- صابریان، علیرضا، «ماهیت شرط بنایی از نظر فقه امامیه و حقوق مدنی» مجله انسان پژوهی دینی، شماره بیست و یکم و دوم، ۱۳۸۸.
- صادقی مقدم، محمدحسن، تغییر در شرایط قرارداد، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- صفایی، حسین، قواعد عمومی قراردادها، چاپ دوازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- صفایی، حسین، الفت، نعمت الله، «اجرای اجباری عین تعهد و تقدم آن بر حق فسخ قرارداد»، نشریه نامه مفید، شماره هفتاد و نهم، ۱۳۸۹.
- عسکری، سامان، احتشامی، هادی، «مقایسه نظریه عقیم شدن قرارداد با نظریات قوه قاهره، تغییر اوضاع و احوال و دشواری اجرای قرارداد»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره چهارم، ۱۳۹۵.
- فخار طوسی، جواد، «پژوهشی در تعدیل قرارداد»، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره بیست و هفتم، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ هفتم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
- کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۷.

- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقیهه، جلد اول، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۱۱.
- نراقی، احمد، عوائد الایام، قم، چاپ سوم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸.
- نصیری، مرتضی، تفرشی، محمد عیسی، رستمی چلکاسری، عباداله، «مطالعه تطبیقی حق تعلیق و
- حق حبس در حقوق داخلی و قرارداد نمونه فیدیک»، نشریه مدرس علوم انسانی، شماره چهل و یکم، ۱۳۸۴.
- هیأت مؤلفان، آکسفورد فرهنگ پایه جدید انگلیسی - فارسی، چاپ اول، تهران، نشر رهنما، ۱۳۷۸.



The Impact of Changing Circumstances in Commercial Contracts from the Perspective of Jurisprudence and Judicial Procedure

Nasreen Tafi¹, Abdul Mohammad Kordi^{2*}, Seyed Ebrahim Mousavi³

1. Ph.D. Student Department of Private Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

2. Professor of Private Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran; Assistant Professor, Department of Law, Borujard Branch, Islamic Azad University, Borujard, Iran.

3. Assistant Professor of Private Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 115-131

Article history:

Received: 18 Jan 2021

Edition: 28 Feb 2021

Accepted: 14 Jun 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Change of Circumstances, Commercial Contracts, Negation of Distress and Constriction Rule, Prohibition of Detriment Rule, Adjustment of the Contract

Corresponding Author:

Abdul Mohammad Kordi

Address:

Department of Private Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad; Department of Law, Borujard Branch, Islamic Azad University, Borujard, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-4625-2452

Tel:

09163626704

Email:

Mohammad1894@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: In this article, an attempt has been made to examine the impact of changes in business contracts from the point of view of jurisprudence and judicial procedure.

Materials and Methods: The article is descriptive and analytical, using the library method.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are considered.

Results: In Islamic jurisprudence, the rule of negation of distress and constriction and the rule of prohibition of detriment and the loss occurring in the contract could be the foundation for accepting the change of circumstances in commercial contracts. The impact of changing circumstances on commercial contracts in Iranian law is not legally clear, but it has not been rejected. In the judicial procedure, a few opinions could be found that the impact of changing circumstances accepted.

Conclusion: It seems that in the silence of the legislator, it is possible to modify the contracts by referring to the rule of negation of distress and constriction and the rule of prohibition of detriment and the loss occurring in the contract, and the legal system can be moved to the direction of judicial modification of contracts. However, considering the economic changes and developments that affect commercial contracts, it is necessary for the legislator to accept the impact of changing circumstances on commercial contracts in the form of legal articles.

Cite this article as:

Tafi N, Kordi AM, Mousavi SE. The Impact of Changing Circumstances in Commercial Contracts from the Perspective of Jurisprudence and Judicial Procedure. *Bioethics Journal* 2021; 3(2): 115-131.